

روی خط حوادث

سرقت سیم های برق از ساختمان نیمه کاره

صدیقی - سارق یا سارقان تمام سیم های برق یک ساختمان چند طبقه را به یغما بردند. صاحب ملک که با ته کشیدن پول هایش به شکل موقت کار را تعطیل کرده بود خبر نداشت سارقان هزینه میلیونی دیگری روی دستش می گذارند.

بنابر اظهارات مال باخته وی کار ساختن چند طبقه خود را زمان فراهم کردن پول برای مدتی تعطیل می کند و خود راهی کاشیپور می شود. اما در مدتی با سر انداز کار بنایی را به کارمندان تعطیل شده شبانه و در ساختن تمام کاره می شوند و تمام تعطیل های برق کار گذاشته شده در ساختمان را به یغما می برند. وقتی یکی از روزها پسر صاحب ملک برای سر کشی از ساختمان می شود در کمال تعجب با سرقت تمام سیم های برق مواجه می شود. مال باخته می گوید: کار بنایی ساختمان در حال اتمام بود که پول کم آورد، به همین دلیل برای کار در معدن راهی کاشیپور غریب شد تا پولش کار بنایی را به اتمام برساند اما اخیر نداشته که سارقان چند برابر پولی که به دست می آورد هزینه روی دست می دهند و تمام کار را برایم دشوار می کنند.

۲۶ زندانی جرایم غیر عمد آزاد شدند

۲۶ نفر از زندانیان جرایم غیرمدعی استان از محل کمک بنیاد مستضعفان به سازمان زندان ها و مشارکات ستاد دیه از زندانی های استان آزاد شدند. همچنین ترازن زندانی جرایم غیرمدعی زندانی های استان آزاد شد. رئیس کل دادگستری خراسان شمالی در آیین آزادی این زندانیان ضمن تقدیر و تشکر از بنیاد مستضعفان برای کمک به آزادی زندانیان جرایم غیرمدعی دیگرگانه های استان و سازمان زندان ها از درخواست کرد و این رستا به ستاد دیه کمک کنند و در آیین زندانیان جرایم غیرمدعی مشارکت داشته باشند. جت الاسلام اجعفری با بیان این که بخشی از حمایت مالی اعطایی به مددجویان در نتیجه انعقاد حاصل نامه شکوری بین سازمان زندان ها و بنیاد مستضعفان فراهم شده، به کمک ۷۰۰ میلیون تومانی بنیاد مستضعفان در پرداخت بدهی ۸۶۰ میلیون تومانی زندانیان جرایم دیه استان اشاره کرد و از تأمین مابه التفاوت آن از سوی ستاد دیه استان خبر داد. عالی ترین مقام قضایی استان از خراسان شمالی به عنوان یکی از استان های برتر و ممتاز کشور در اجرای سیاست های کاهش جمعیت کیفری زندان یاد و خاطرنشان کرد: این استان در سال ۱۳۹۸ و ۴ ماه نخست سال ۱۳۹۹ توانسته علاوه بر توقف قابل ملاحظه در اجرای سیاست های کاهش جمعیت کیفری زندان ها، در بهره منداری زندانیان از ارفاق های قانونی نیز موفقیت های ارزنده ای کسب کند. این مراسم هزادیای به رسم یادبود به زندانیان جرایم دیه اعطا شد.

ماجرای مردی که پایش در ورطه دریافت رشوه سُرخورد

سقوط در چاه طمع



و ضامن دوست ناخلف ام شدم و پرونده ام را سنگین تر کردم.

خانواده‌ها بعد از زندانی شدن چه کار کردند؟

در به در شدند و اگر کمک خانواده‌ها ام یک نهاد حمایتی نبود زندگی‌ام تار و مار می‌بود. هر چند الان هم از زندگی من فقط یک اسیر باقی مانده و به تار مویی بند و هر لحظه ممکن است زیر بار سنگین مخارج و بدهی سقوط کند. همسرم بارها به حالت فریاد خانۀ ترک‌دار اما با یادربانی خانواده‌ها و همچنین به خاطر فرزندان حاضر شد تا زمان آزادی من؛ همچنان صبر کند.

تا کی باید در زندان بمانی؟

مدت حبس ام حدود ۱۳ سال بود که البته بیشترش عفو خورد. مشکل من جرمه و رد مال است که توان پرداخت آن را ندارم. بیش از همه مادرم به دنبال کارهای من است و کار زیادی نیز از دستش بر نمی آید. تا زمانی که پول جرمه و رد مال را پرداخت نکنم باید در زندان بمانم.

حرف آخر؟

کاش به داشته هایم قانع بودم و طمع نمی کردم تا این گونه بشم. به بخورم. به خاطر طمع ورزی تا این حد رسیدم و ابردارم که البته مقدری از آن را پرت کرد که ام و مقداری نیز باقی مانده است. عاقبت براهه رفتن چیزی غیر از سرکشگی نیست و خلافکار باید بداند دیر یا زود دستبند قانون بر دستش خواهد نشست همان طور که برای من اتفاق افتاد. پس بهترین گزینه انتخاب راه درست است هر چند درآمدش کم و باشد اما بهتر از دراز رفتن بر پشت میله های زندان است.

تِه چاه سقوط کرد و به خاطر کارهای خلافم در حین خدمت و ماموریت از کارم اخراج شدم و روزگارم سیاه شد. هر چه رفته کرده بودن ناگهان پنبه شد و آبرو و حیثیت خود و خانواده ام را پیش قایمل و همکارانم بردم. هر چیزی را که به ناحق به دست آورده بودم از دست دادم و از یک خانواده متمول به حاشیه شهر رانده شدم و زندگی را برای زن و فرزندانم زهر کردم.

غیر از قاچاق مواد و رشوه جرم دیگری نیز دارد؟

بله یک جرم دیگر هم که بدهی مالی است در پرونده ام دارم. ماجرای بدهی ام از این قرار است که در همسایگی مان یک دوست داشتم که او به خاطر برخی مسائل دچار بحران مالی شد و هر روز طلبکارها جلوی در خانه اش سبز و آبرو ریزی می شدند.

یک روز زمانی که طلبکارها با حکم جلب جلوی در خانه دوستم حاضر شده بودند خونم به جوش آمد و خواستم کاری برای او بکنم که از طلبکارها مهلت خواستم. چون طلبکارها به دوستم اعتماد نداشتند از من خواستند اگر مایل هستم ضمانت او را بکنم تا آن‌ها یک مهلت دیگر به او بدهند.

من هم قریب چرب زبانی دوستم را خوردم و به جای او مقدار زیادی سفته به شکیان دادم تا دوستم در مهلت مقرر بدهی اش را با طلبکارها صاف کند. دوسم بعد از مدتی زیر قول و قرارش زد و ناپدید شد و طلبکارها چون مدرک داشتند از من شکایت کردند و برای همین همزمان با اتهام رشوه و قاچاق مواد راهی زندان شدم و هر روزی که در کدام خلاف هایم باید جداگانه حبس بکشم. اشتباهه بدی مرتکب

صدیقی

روزگاری برای خود عزت و احترامی داشت اما همه آن را به خاطر طمع و دریافت رشوه از دست داد. در یک روزگاه تریب الفاظ پوچ دوستانش را خورد و با سوء استفاده از موقعیت شغلی اش خواست برای خودش مال نامشروع جمع کند اما با سر داخل چاه و سوسه افتاد. عاقبت سوء استفاده از عنوان شغلی اش، اخراج از محل کار، زندان و آوارگی و زندان دست انداختن و جوانی اش بود. در ادامه گفت و گوی میهن نگار، ما باید ندانی اراجری و رشوه بگیر می خوایند.

به چه جرمی و چند وقت است در حبس هستی؟
 لان حدود ۳ سال است که به عنوان مختلف از جمله رشوه،
 نایاق مواد و سوخت و بدهی مالی در زندان به سر می برم.
شغل ات چه بود و متاهل هستی؟

نیل از این که در یک سازمان دولتی استخدام شود و جوشکاری می‌کرد و از این طریق روزگارش را می‌گذراند. بعد از مدتی که مدیر دانشگاهی‌ام را گرفتند در یک سازمان دولتی استخدام شد و که با طمع ورزی و تبعیت از شیطان به خاکی سیاه نشست و از کار مخرج و به خاطر قاچاق مواد، شوه و غیره راهی زندان شد. از این که بن زندان بیفتیم زدواج کرد و صاحب ۲ فرزند هست.

چه شد که به سمت سوء استفاده از عنوان شغلی ات
رفتم؛ مگر در آمدت کافی نبود؟

ددم بعضی مواقع قریب شیطان را می خورد و من هم با طمع
 بزرگی را در زندگی ام سلب به راه انداختم. وقتی در یک
 سازمان دولتی استخدام شدیم به واسطه پستی که داشتم
 از درآمد زیادی ارتباط داشتم و البته درآمد کافی بود. بعد
 از چند سال در سازمان دولتی زندگی ایده آلی را برای
 خود و همسر و فرزندانم فراهم کرد اما در یک بنگاه پیرام
 خود و دو دوست و سه همسر که آن موقع شغل من سوء استفاده
 از مردم رشوه بگیرم، به خاطر رقیب بازی و سوءاستفاده
 من مدام افراد راقل در اطراف هر کسی می زدند و سر متکلف
 می دادند تا آن که هر فردی می گفتند «تا کی می خواهی با حقوق
 ناک زندگی کنی و چرا از پست و مقام سوء استفاده می
 کنی تا زندگی ات زیر و رو شود»، رفته رفته تحت تاثیر قرار
 از مردم در حین مأموریت کاری سرشور گرفتم. البته چون
 معضلی داشتم و محل کار من در یک شهر مرزی بود تا یکمد او
 استخدام در مقام دست به قاچاق مواد و سوخت می زدم تا به قول
 خودم راه را صاف می کشی و به زندگی اشرافی برای
 خودم دست و پا می کنی. اما در مدتی کار خلاف بالاخره دستبند
 نانون بر پستانم کرد و خود و روانه زندان شد.

بعد از این که دستگیر شدی چه اتفاقی افتاد؟